

پژوهش‌ها معمارانسلک ۱۳

شماره شایا: X 980 - 2382

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال چهارم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۵

آغازی بر فهم مزارع مسکون تاریخی در یزد
اصغر محمدمرادی / احمد صالحی کاخکی / حسین راعی

تعادل بخشی بین حقوق مالکانه و منافع عمومی در اقدامات نوسازانه شهری
(از تعارض منافع تا تعادل حقوق در قوانین سلب و تامین حقوق مالکانه)
رضا خیرالدین / غلامرضا کامیار / ابراهیم دلایی میلان

گونه شناسی شکلی و استقراری شناسیر در معماری بومی بندر بوشهر
اعظم هدایت / پرستو عشرتی

کارکرد اقلیمی هنر گره چینی در معماری اسلامی
نمونه موردی: بناهای مسکونی قاجاری شیراز
حمیدرضا شریف / امین حبیبی / عبدالله جمال آبادی

بازشناسی الگوها و شناخت فاکتورهای کالبدی تاثیرگذار در بافت مسکونی سنتی
نیشابور
سید امیر میرسجادی / هیرو فرکیش

تبیین جایگاه پیوست نگاری فرهنگی و بهره گیری از نظام مدیریت فرهنگی
در شهر اسلامی - ایرانی
(مبانی نظری و فرآیند فکری سازنده شهر اسلامی)
حیدر جهان بخش / علی دل زنده

نمود کتیبه های معماری در نگاره های ایرانی - تحلیلی بر نمونه های مکتب هرات و
آثار بهزاد
رباب فغفوری / حسن بلخاری قهپی

بررسی و شناخت ماهیت دیوارنگاره های بوم پارچه به عنوان شیوه های خاص از آرایه های
معماری اسلامی ایران
یاسر حمزوی / رسول وطن دوست / حسین احمدی



لیست داوران این شماره:

دکتر آریتا بلالی اسکویی (استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز)
 دکتر علی اسدیور (استادیار دانشگاه هنر شیراز)
 دکتر علی اکبر حیدری (استادیار دانشگاه یاسوج)
 دکتر محمدحسین ذاکری (استادیار دانشگاه شیراز)
 دکتر حسن ذوالفقار زاده (دانشیار دانشگاه امام خمینی قزوین)
 دکتر محمدمنان رئیس (استادیار دانشگاه قم)
 دکتر علی محمد رنجبر کرمانی (استادیار دانشگاه قم)
 دکتر زهرا رهبرنیا (دانشیار دانشگاه الزهرا)
 دکتر حسن سجاد زاده (استادیار دانشگاه بوعلی همدان)
 دکتر هانیه صنایعیان (استادیار دانشگاه علم و صنعت)
 دکتر منصوره طاهباز (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)
 دکتر علی عمرانی پور (استادیار دانشگاه کاشان)
 دکتر مینو قره بگ لو (استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز)
 دکتر محمدباقر کبیر صابر (استادیار دانشگاه تهران)
 دکتر راضیه لیبب زاده (مدرس دانشگاه علم و صنعت)
 دکتر شهریار ناسخیان (استادیار دانشگاه هنر اصفهان)
 دکتر مسعود ناری قمی (استادیار دانشگاه کاشان)
 دکتر احد نژاد ابراهیمی (استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز)
 دکتر علی نعمتی بابایلو (استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز)
 دکتر سعید نوروزیان (استادیار دانشگاه شهید بهشتی)
 دکتر مجید هاشمی (استادیار دانشگاه ولی عصر)

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات
 وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۱۳۷۲۰۶ / ۳ / ۱۸ مورخ
 ۹۳ / ۷ / ۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه های (SID) و (ISC) نمایه می شود.

مدیر مسئول: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

سر دبیر: مهندس عبدالحمید نقره کار

مدیر داخلی: دکتر محمد منان رئیس

ویراستار ادبی فارسی: سارا متولی

کارشناس مجله: زهرا کاشانی دوست

ویراستار انگلیسی: محمد رضا عطایی همدانی

هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی : دانشیار دانشگاه تهران
 دکتر حسن بلخاری : دانشیار دانشگاه تهران
 دکتر مصطفی بهزادفر : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر محمد رضا پور جعفر : استاد دانشگاه تربیت مدرس
 دکتر مهدی حمزه نژاد : استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر اسماعیل شیعه : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر منوچهر طیبیان : استاد دانشگاه تهران
 دکتر محسن فیضی : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر حمید ماجدی : دانشیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
 دکتر اصغر محمد مرادی : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر غلامحسین معماریان : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر فاطمه مهدیزاده سراج: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر محمدتقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
 دکتر علی یاران : دانشیار وزارت علوم تحقیقات ، فناوری

طراح جلد و صفحه آرا: امیرحسین یوسفی

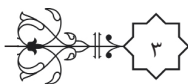
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

مقالات مندرج در این مجله، الزاماً بیانگر نقطه نظرات «پژوهش های معماری اسلامی» و «قطب علمی معماری اسلامی» نمی باشد و نویسندگان محترم، مسئول مقالات خود هستند.

نشانی دفتر مجله: دانشگاه علم و صنعت ایران / قطب علمی معماری اسلامی / کد پستی ۱۶۸۴۶۱۳۱۱۴ / **تلفن مستقیم:** ۷۷۴۹۱۲۴۳ - ۰۲۱

نشانی رایانامه: jria@iust.ac.ir / **نشانی وب:** <http://iust.ac.ir/jria>





آغازی بر فهم مزارع مسکون تاریخی در یزد



اصغر محمدمرادی*

استاد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

احمد صالحی کاخکی**

دانشیار، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان

حسین راعی***

پژوهشگر دکتری مرمت بنا، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۲/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۶/۷

چکیده:

یزد، دارای پیشینه غنی در آداب و علوم فلاحت و زراعت است. آب و امنیت در کنار زمین، به عنوان مادر زراعت، توانسته است مولد ساختاری در این اقلیم، به نام مزرعه باشد. مزارع، مجتمع‌های زیستی کوچکی هستند که به صورت مستقل یا تابعه، بخشی از ضیعات یک ده و یا قصبه، محسوب می‌شود.

برخی از مزارع، صرفاً دارای تولیدات کشاورزی بوده و فاقد لواحق و استقرار هستند و به این دلیل، مزرعه کشاورزی یا غیرمسکون نامیده می‌شوند. در این گونه از مزارع، سکونت دائم و استقرار وجود ندارد. «باغ‌ها و کشت‌خاوان‌های یزد»، در زمره «مزارع کشاورزی» قرار می‌گیرند؛ اما برخی دیگر، علاوه بر کشاورزی و زراعت به عنوان شاخصه اصلی، سکونت و استقرار نیز در آن‌ها انجام می‌شود، این گونه از مزارع، «مسکون» نامیده می‌شوند و دارای عناصر خدماتی دیگری چون کوشک، خانه‌های اربابی و رعیتی، قلعه‌های کبیره و صغیره مسکونی، برج‌های دیدبانی، طاحونه و مصنعه، شاه‌کوچه و غیره هستند. در این پژوهش، «قلعه‌ها و مجموعه‌های کشت‌خاوانی اربابی و رعیتی» به عنوان مزرعه مسکون در یزد، شناخته شده‌اند و در ادبیات شفاهی و آثار مکتوب مربوط به یزد، به کرات درباره «مزرعه» بودن این آثار، مطالبی آورده شده است. این مزارع، در طول مسیر مکانی تحقیق (استان یزد)، در سال ۱۳۹۴ ه.ش شناسایی شده و مورد مطالعات میدانی قرار گرفتند و بسیاری از آن‌ها، به دلایل مختلف، در معرض آسیب و نابودی قرار دارند.

چیستی مزارع مسکون تاریخی در یزد، از سئوالات کلیدی در این نوشتار به حساب می‌آید و سعی می‌شود تا با رهیافت تفسیری - تاریخی و مراجعه به آثار مادی، سندپژوهی و مصاحبه به هدف اصلی این پژوهش، که تمییز مزارع مسکون تاریخی یزد، از سایر گونه‌ها و مجتمع‌های زیستی است، جامعه عمل پوشانده شود.

از نتایج قابل اشاره؛ فهم موضوع، از طریق پیمایش میدانی و تفسیر اسناد، با توجه به کنوانسیون‌های بین‌المللی است. این مهم می‌تواند در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، مورد بحث و مکاشفه قرار گیرد.

واژه های کلیدی: فهم، مزارع مسکون تاریخی، مجموعه‌ها و قلاع کشت‌خاوانی، یزد.

مقدمه

کشاورزی و زراعت در جغرافیای یزد، دارای پیشینه وسیعی است. وجود نظام آبرسانی و آبیاری پیچیده مانند استفاده از قنوات، انهار و جداول و میزان و شیوه‌های دسترسی به آن، نشان‌دهنده توجه مردمان فلات مرکزی ایران، به تولید محصولات وابسته به آب و کشاورزی است. علاوه بر دسترسی به آب، امنیت و ایجاد فضای آسایش، نیز دارای اهمیت اساسی بوده و بر اساس این دو متغیر اصلی، ساختارهایی در دوره‌های مختلف تاریخی یزد، شکل می‌گیرد که در گذر از تحولات اجتماعی، تأثیرات فراوانی بر نظام اقتصادی مناطق مرکزی ایران، می‌گذارد.

این ساختارها، مجتمع‌های زیستی کوچک‌تر از روستا بودند که وظیفه آن‌ها، تولید محصولات کشاورزی و ایجاد ارزش اقتصادی بود و از دو هسته جداگانه و درعین‌حال، در ترکیب با یکدیگر به لحاظ کارکردی، تشکیل می‌شد. این دو بخش، عناصر کالبدی (مسکونی، مذهبی و خدماتی) و زمین‌های زراعی بودند که با صورت مختلف، در کنار دشت‌ها و تپه‌های حاصلخیز و در مسیر قنوات، به وسعت مختلف و فاصله متفاوت از یکدیگر و مجتمع‌های زیستی بزرگ‌تر مانند روستاها و شهرها به وجود آمدند. مردم عامه و بومیان یزد، با توجه به حوزه‌های جغرافیایی بستر، مجتمع‌های یادشده را با عناوینی چون؛ «قلعه‌ها و مجموعه‌های کشت خوانی اربابی و رعیتی» می‌شناسند و در اسناد و ادبیات مکتوبی چون جامع مفیدی ۱۳۴۲، جامع الخیرات اثر مفید مستوفی ۱۳۴۰ و امثال آن نیز با عنوان «بخش‌هایی از مزارع» از آن‌ها یاد می‌شود.

بسیاری از این مزارع، که در طول مسیر مکانی تحقیق مانند یزد، میبد، مهریز، تفت، دهشیر، ابرقو، ده نو، ده شیخ، شمس‌آباد، طرازآباد، شاه‌آباد، دهیوک، خشک‌آباد، خورمیز، عزت‌آباد، مزرعه کلانتر و... مورد بررسی میدانی قرار گرفتند؛ در حال نابودی و ویرانی قرار دارند، اغلب آن‌ها، برای جوامع عامه و علمی، ناشناخته هستند و منابع و پژوهش‌های مستقلی که دربرگیرنده پیشینه تاریخی و محتوایی مزارع مسکون^۳ تاریخی باشد، وجود ندارد. اسناد مکتوب و شفاهی نشان می‌دهند که مزارع مسکون

از دوره‌های پیش از اسلام، قرون اولیه اسلامی تا دوره پهلوی بصورت مستقل و تابعه (صغیره و کبیره) در محدوده قصبات و رستاق یزد وجود داشتند و در قالب اقطاع، تیول، سیورغال^۴ و عطیه از طرف حکومت واگذار می‌شدند و در برهه‌ای از زمان به فروش رسیدند. (لمبتون ۱۳۴۵) بدین صورت، بخش اعظمی از شاکله دیوانی، اقتصادی و سیاسی یزد تا دوره پهلوی با توجه به فراگیر بودن، نظام وقف در تثبیت شیء و تسبیل منفعت، به مزارع و محصولات آن‌ها، وابسته بوده است و گاهی، موجبات شکل‌گیری و توسعه مجموعه‌ای از رقبات و موقوفات در یک نقطه را فراهم می‌کرد. علاوه بر این، در درون مزارع نیز بین اعضاء مختلف، نظام اجتماعی، مالکیت و امنیتی ویژه‌ای حاکم بوده است. کلیه نظام‌های اشاره‌شده در ارتباط و لازم و ملزوم یکدیگر بوده‌اند و تحت کلیت واحدی به نام «مزرعه مسکون» در ادوار تاریخ، با تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بر نظام معیشت مردمان و حاکمان رشد کردند، توسعه یافتند، حفاظت شدند و برخی از آن‌ها به تدریج، با لغای تیول‌داری و شروع اصلاحات ارضی و کم‌رنگ شدن نقش آن‌ها در نظام معیشت مردمان و حاکمان، متروکه شده، از بین رفته و نابود شدند و آن چه که هم اکنون باقی‌است، منابعی است که به‌طور معمول، شامل کتب تاریخی، اسناد حقوقی و آثار مادی می‌شود و در آن‌ها صرفاً، آداب فلاح و عمارت، تشریح می‌شوند (ابونصر هروی ۱۳۴۶، ۸) و یا از منظر کشاورزی و زراعت، باستان‌شناختی، جامعه‌شناسی، شهرسازی، منظر (طالبیان و فلاح ۱۳۸۹، ۴۸؛ اواسبتلی ۱۳۸۷، ۲۳-۲۱؛ سوافیلد ۱۳۹۰، ۱۴۳؛ پرتوی ۱۳۹۲، ۷۴ و...) به موضوع، پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

مزارع مسکون تاریخی در ادبیات معماری و شهرسازی کشور، پیشینه تحقیقی وسیعی ندارد. نتایج مطالعات اولیه کتابخانه‌ای و میدانی، نشان از نبود شناخت کامل جامعه عامه و علمی، از موضوع مزارع مسکون تاریخی دارد. در جامعه علمی و دانشگاهی، نیز به‌طور مستقیم، به موضوع مزارع مسکون تاریخی، کمتر پرداخته شده و دکترین ویژه‌ای در زمینه شناخت و حفاظت آن‌ها وجود ندارد. امروزه، در



بر مشاهده میدانی، برداشت و مستندسازی، بررسی اسناد شفاهی، مصاحبه و مصاحفه با بومیان و پیران منطقه، استوار است و سندپژوهی و استفاده از اسناد مکتوب و شفاهی، شاکله اصلی تحقیق را تشکیل می‌دهد.

مقصود از مزارع مسکون تاریخی در یزد چیست؟

همان‌گونه که بیان شد؛ بسیاری از مزارع، صرفاً دارای کاربری کشاورزی و زراعت هستند و مستحدثاتی، در آن‌ها دیده نمی‌شود و اغلب در مجاورت یا خارج از شهر یا روستا احداث شده‌اند. این نوع مزارع، «غیرمسکون» یا «کشاورزی» نامیده می‌شوند. در اسناد و کتب مختلف نیز به این موضوع به صورت غیرمستقیم اشاره شده است. کلاویخو، جهانگرد اروپایی در قرن ۱۷ م طی سفر به نقاط مختلف ایران، درباره مزارع کشاورزی بین روستاها و شهرها می‌نویسد:

«شنبه که مصادف بود با (دوم) اوت سرانجام نزدیک شب به دره‌ای رسیدیم. در اینجا مزارع گندم بسیار بود و رود (تجن‌داب) از آنجا می‌گذشت.» (کلاویخو ۱۳۳۷، ۱۹۳).

مقصود او از مزرعه گندم، مزرعه کشاورزی یا غیرمسکون است و در جایی دیگر، ایرج افشار در کتاب یادگارهای یزد، درباره مزارع کشاورزی در منطقه پیشکوه یزد می‌نویسد: «پیشکوه؛ منطقه‌ای آبادان و پر آبادی است. نام آبادی‌های آن طبق ضبط فرهنگ جغرافیایی ایران عبارت است از: باغ شاه، بردستان و ... مزرعه آخوند، مزرعه حاجی علی عسکر» (افشار ۱۳۷۴، ۳۶۹)

در این‌گونه از مزارع، سکونت دائم و استقرار وجود ندارد. «قلعه باغ‌ها و کشت‌خوان‌های» یزد، در زمره مزارع کشاورزی قرار می‌گیرند. اما گونه‌های دیگری از مزارع، در یزد دیده شده‌است که علاوه بر کشاورزی و زراعت به عنوان شاخصه اصلی، سکونت و استقرار نیز در آن‌ها انجام می‌شود، این‌گونه از مزارع، «مسکون» نامیده می‌شوند. (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۸، ۱۹۳۵) مقصود از مزارع مسکون، ترکیب و هم‌جواری عناصر و ساختارهای خدماتی، مذهبی و مسکونی مانند حمام، آسیاب، نمازخانه، مسجد، حسینیه، درختان کهن‌سال، برج دیدبانی، کبوترخانه، قلاع اربابی و رعیتی، خانه‌های اربابی و رعیتی، طاحونه (آسیاب)، مصنعه

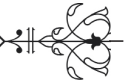
حالی که درباره مزارع مسکون تاریخی در کشور، فهم و حفاظتی وجود ندارد؛ در جوامع بین‌المللی تا حدی، به آن توجه شده و در کنوانسیون‌ها، توصیه‌نامه‌ها و منشورهای بین‌المللی (کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان ۱۹۷۲، ۷۸-۷۹) بر اهمیت شناخت، فهم، معرفی، ثبت و حفاظت از آثاری که بر اساس تعاریف مندرج در آن‌ها، در گروه مناظر فرهنگی قرار می‌گیرند، تأکید شده است.^۵ علاوه بر آن هم اکنون، الگوهای مزارع تاریخی کشورهای دیگر وجود دارد؛ که شایان اهمیت است. (University of Gloucestershire, 2006; Edwards, 2005; English Heritage, 2012. Koeppl, 2006; Freeman, 2010; Edvards and Lake, 2010; comber & Lim, 2006)

این الگوها می‌توانند در فهم و شناخت مزارع مسکون کمک‌رسان باشند. بنابراین به جزء اسناد مکتوب اشاره شده در متن که به صورت غیرمستقیم به موضوع مزارع مسکون تاریخی در کشور و از جمله، یزد، از منظر نویسندگان پرداخته‌اند، تنها اسناد شفاهی و مادی باقی‌مانده در مزارع، می‌توانند با تفسیر و تأویل، مسیر تحقیق را هموار سازند.

روش و رویکرد تحقیق

این تحقیق، از نوع کاربردی است که با رویکرد تفسیرگرایی، راهبرد تفسیری تاریخی (گروت و وانگ ۱۳۹۲، ۱۳۳) درباره مزارع مسکون تاریخی انجام شده است. پژوهش پیشرو، از نظرگاه محقق و با استفاده از تجارب نویسندگان، سیاحان، نخبگان مذهبی، سیاسی و حکومتی و حتی رعیت‌هایی که هم‌اکنون در مزارع مشغول به فعالیت هستند، به بررسی و تفسیر حضور مزارع مسکون تاریخی در یزد پرداخته است. حوزه اشاره‌شده؛ کلی، مبسوط و در حال حاضر، غیرقابل دسترسی دقیق است. دانش موجود در زمینه مزارع مسکون تاریخی، دارای قوت لازم، برای بررسی همه حوزه‌های اشاره‌شده، نیست. این تحقیق می‌خواهد با استعانت از تاریخ و جغرافیای تاریخی، موضوع تحقیق را، در حوزه معماری و دست‌ساخته‌های بشری و به‌عنوان یک میراث مادی که باید موردحفاظت قرارگیرد؛ موردبررسی قرار دهد و به بررسی حوزه‌های تأثیرگذار و تأثیرپذیر در چارچوب موضوع، زمان و مکان تحقیق پردازد. روش یافته‌اندوزی؛





آثار مادی موجود، نشان می‌دهد؛ مزارع مسکون یزد، در پیوند با شاخصه‌های اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی بستر، در قالب مشخصی، به وجود آمده‌اند، دارای استقرار دائم و ثابت بودند و با نابودی رویدادهای مکانی جاری در آن‌ها، آنچه که باقی‌است، بخشی از عناصر کالبدی است که فهم اندکی درباره شناخت و حفاظت آن در کشور وجود دارد.

معماری مزارع مسکون و غیرمسکون تاریخی یزد^۱

۱- مزارع کشاورزی یا غیرمسکون یزد:

کشت‌خوان‌های محصور و غیرمحصور در اغلب نقاط یزد، دیده می‌شوند. ساختار معماری آن‌ها بسیار ساده و عبارت‌است از زمین زراعی که گاهی با حصار و برج‌های چهار یا چندگانه چینه‌ای و خشتی محصور می‌شود. این ترکیب در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم در منطقه، در طول سالیان متمادی شکل گرفته و هنوز پابرجاست. کشت‌خوان‌ها در داخل و خارج از شهرها و روستاها پراکنده‌اند و گاه در ترکیب و هم‌جواری با یکدیگر، بخشی از قلعه‌ها و مجموعه‌های کشت‌خوانی اربابی و رعیتی را تشکیل داده و به‌نوعی در شکل‌گیری مزارع مسکون، نقش مهمی ایفاء می‌کنند. ساده‌ترین آن‌ها، بدون حصار و گاهی دارای حصار ساده چینه‌ای و مجاری آب و متحمل‌ترین آن‌ها دارای حصار مزین به موتیف‌های پیش‌کرده برای حفاظت در مقابل طوفان، گردوغبار و خسران حیوانی و انسانی و برج دیدبانی چسبیده به حصار، ورودی و انبار هستند. نمونه‌ای از این نوع مزارع در یزد، شمس‌آباد است که در کتب جامع مفیدی و یادگارهای یزد به آن اشاره شده است:

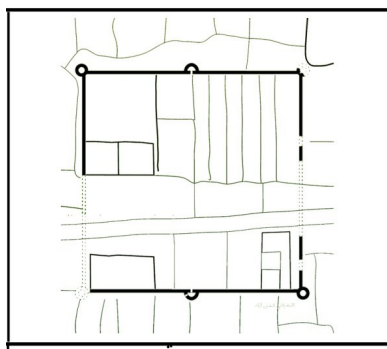
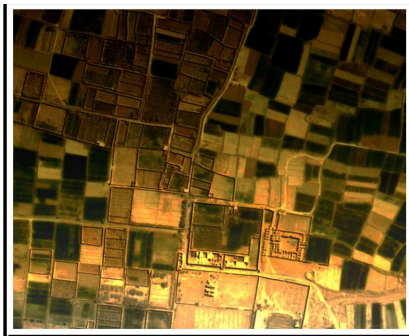
«ظاهراً شمس‌آباد همان است که در قرن هشتم مزرعه‌ای از مزارع بفرویه بشمار می‌رفت و سید رکن‌الدین یزدی به ضبط جامع الخیرات آن را وقف کرده‌بوده‌است. در جامع مفیدی آمده‌است که آنجا در قرن یازدهم در تصرف امیر جلال‌الدین حسن بود.» (افشار ۱۳۷۴، ۸۹)

این مزارع، در طول مسیر مکانی تحقیق ذکر شده، به‌مراتب دیده شدند؛ اما به دلیل غیر مسکون بودن، در این مقال، مورد بررسی قرار نمی‌گیرند. (نک: شکل ۱)

(آب انبار) و امثال آن، با زمین‌های کشاورزی و باغات است که این توده‌های کالبدی را در زمره مجتمع‌های زیستی کوچک‌تر از روستا قرار داده و در برخی از اسناد تاریخی نیز به نام «مزارع مسکون» معرفی شده است.

اعتمادالسلطنه که وزیر انطباعات دوره ناصری و یکی از وظایف ایشان، جمع‌آوری آمار خالصجات شاهی بود، در کتبی چون (مرآت‌البلدان ۱۳۶۸، ۲۲۲۶؛ المآثر و الآثار ۱۳۶۳، ۱۲۲ و مطلع‌الشمس ۱۳۶۳، ۲۳) در وصف اماکن، نواحی و مناطق، اشاره می‌کند؛ که یک «مزرعه مسکون» شامل عناصر مختلف مسکونی، خدماتی و مذهبی و جمعیت ثابت و شناور بوده است. علاوه بر آن، در برخی از اسناد تاریخی دیوانی و حقوقی مانند وقف‌نامه‌ها، وصیت‌نامه، قرارنامه، تقسیم‌نامه، مبیعه‌نامه‌ها، مصالحه‌نامه، استشهاد، استبعاد، استخبار و امثال آن، نیز اطلاعات مفید و درخوری درباره مزارع مسکون وجود دارد. از آن جمله می‌توان به سند مبیعه چندین مزرعه، مورخ ۱۰۸۵ ه. ق که «سید حسن اعظم واقفی» در کتاب «میراث فرهنگی نطنز، آثار تاریخی، آداب، سنت‌ها و تاریخ نطنز، ۱۳۷۹» آورده است، اشاره کرد. همچنین در منابعی چون (یادگارهای یزد ۱۳۷۴، ۸۵ و شیخ‌الحکامی ۱۳۸۸، ۴۱) نیز اشارات متعددی به این موضوع شده است. در متن وقف‌نامه‌های جامع‌الخیرات درباره موقوفات شمس‌الدین محمد بر مدرسه و خانقاه کینه، مواردی آورده شده است که به واژگانی چون؛ مزرعه، کش‌خوان، قطعه، باغ، دسکره، صحرا و... اشاره شده است.^۲ در این وقف‌نامه که در سال ۱۱۶۱ ه.ق تنظیم شده است؛ از زمین یا قطعه، کشت‌خوان یا کش‌خوان، باغ، مزرعه و دسکره، به‌طور جداگانه یاد می‌شود. براساس آن «کش‌خوان» شامل چند قطعه است و «باغ»؛ دارای کش‌خوان و قطعه است، دسکره، همان قلعه‌های کشت‌خوانی کنونی بوده و «مزرعه» نیز از هم‌کناری کش‌خوان، باغ، دسکره و مستحذات دیگر شکل می‌گیرد؛ بنابراین، در اسناد تاریخی مربوط به یزد، از واژه «کشت‌خوان» برای «مزرعه کشاورزی و غیر مسکون» استفاده می‌شد و از واژه «مزرعه» برای «مزرعه مسکون»، استعمال می‌گردید.





شکل ۱: نقشه و عکس هوایی از کشت خوان شمس آباد. (مرکز اسناد پایگاه شهر تاریخی میبد ۱۳۹۴).
تعدد کشت خوانها در پهنا وسیعی از میبد مشهود است.

۲- مزارع مسکون تاریخی یزد:

مزارع مسکون در یزد، تاکنون، بر پایه مطالعات میدانی و جستجو در اسناد تاریخی پیش گفته، به دو صورت دیده شده‌اند. صورت نخست، شکل گیری مزارع در قالب دسکره یا قلعه‌های کشت خوانی است و صورت دوم در قالب «مجموعه‌های کشت خوانی» اربابی و رعیتی است که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.
الف: قلعه‌های (دسکره‌های) کشت خوانی اربابی و رعیتی: همان گونه که بیان شد، این نوع دسکره‌های مسکونی در ترکیب با زمین‌های کشاورزی که در مجاورت و اغلب، خارج از قلعه قرار گرفته‌اند، معرف مزارع مسکون هستند و به دلیل تعلق به دوره‌های تاریخی مختلف، مزارع مسکون تاریخی، خوانده می‌شوند. در اسناد پیش گفته، به کرات، تصریح شده‌است که دساکر کشت خوانی، یک قالب و بخشی از مزرعه مسکون هستند. ایرج افشار، از جمله پژوهشگرانی است که به صورت توصیفی و میدانی از مزارع مسکون فراوانی در استان یزد، بازدید کرده و نتایج آن را در دو جلد به نام یادگارهای یزد منتشر کرده‌است. او در توصیف مزرعه «سروشین» یزد، بقایای یک «قلعه» را بخشی از مزرعه دانسته و در این باره توضیح می‌دهد

و یا درجایی دیگر و در تشریح مزرعه «نیدیک» آورده‌است که در نزدیکی مزرعه، یک قلعه یا دسکره، وجود دارد. او در ادامه، کاروانسرای آجری و قلعه قدیمی را بخشی از مزرعه کرمانشاه می‌داند و در باب این مزرعه و اضافات و لواحق آن می‌نویسد. ایرج افشار، مزارع زیادی را معرفی می‌کند و ضمن بازدید میدانی از مزرعه رحمت آباد، از قلعه و خانه اربابی و بانی آن سخن گفته و این عمارات را بخشی از این مزرعه مسکون دانسته‌است: «قسمت جنوب شرقی قلعه به خانه اربابی اختصاص داشته و کاملاً به مانند یک خانه شهری ساخته شده بوده است. بر سر در قلعه یک قطعه سنگ نصب است و بر آن به خط نستعلیق چنین نقر شده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. حَسْبُ الْفَرْمُودَةُ بَانِي اِيْنِ مَزْرَعَةِ رَحْمَتِ اَبَادِ مَرْحُومِ حَاجِي اِبُو الْقَاسِمِ تَاجِرِ رَشْتِي.»

غرض نقشی است که ما بازماند

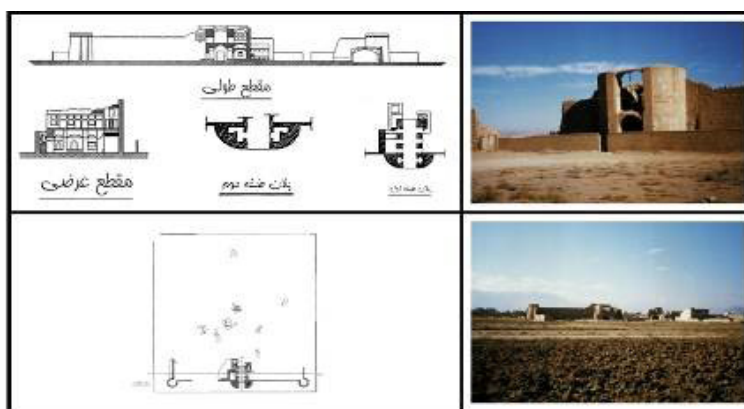
که هستی زانمی بینم بقائی

مگر صاحب دلی روزی به رحمت

کند در حق این مسکین دعایی

غریق رحمت ایزد کسی باد

که بانی را به الحمدی کند یاد



شکل ۲: نقشه و عکس از مزرعه رحمت آباد. (مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد ۱۳۹۴).

اقدامات و ساخت‌وسازهای دوره‌های مختلف، مؤید این موضوع است؛ مانند احداث چاپارخانه، آب‌انبار و حمام در بیرون قلعه دهوک که مربوط به دوره متأخر است. (بازدید میدانی ۱۳۹۴). تعداد طبقات و نوع تزیینات قلاع مسکونی واقع در مزارع نیز، به اهمیت و وسعت مزرعه، وابسته بود؛ مانند قلعه حسین‌آباد شفیع‌پور که سه اشکوبه و مدور بوده و دارای تزیینات کنگره‌ای درخوری است و یا قلعه مهرجرد میبد که در سه طبقه و قلعه واقع در ندوشن در دو طبقه، ساخته شده است.

هر مزرعه مسکون، یا تحت مالکیت یک یا چند ارباب مشخص بود مانند مزارع رحمت‌آباد یزد، قاسم‌آباد یزد، محمدباقری هرات (تحت مالکیت امام‌جمعه)، وزیر رکن‌آباد و مهرجرد بافق و یا تحت مالکیت رعیت‌ها بود مانند ابراهیم‌آباد رستاق که برای همه رعیت‌ها، سهمی از مالکیت، در نظر گرفته شده است. (پرونده ثبتی اثر ۱۳۸۱) مزارع دارای مالکیت دیوانی و خالصه نیز در اقطاع، تیول، سیورغال و یا عطیه بزرگان و حاکمان منطقه قرار می‌گرفت و مالک مزرعه، می‌بایست بر اساس نوع واگذاری، خراج دیوانی و یا لشکری بپردازد یا با توجه به نوع خدمات، معاف از خراج شناخته می‌شد. علاوه بر مالک، هر مزرعه، دارای ضابط و محصل بود که به امور مالی و دیوانی سروسامان می‌داد. (لمبتون ۱۳۴۵) این املاک، در دوره‌های آتی به‌ویژه قاجاریه به املاک شخصی تبدیل شد و یا پس از الغای تیول‌داری در اواخر قاجاریه و اوایل دوره پهلوی، در زمره املاک عمومی درآمد. (دهقان نژاد و ستوده ۱۳۸۹، ۹۱-۸۰) مانند قلعه ابرندآباد یزد و بدرآباد میبد. (نک: جداول شماره ۱)

در برخی اوقات نیز در اسناد تاریخی، از وجود مصنعه، بازار، دکاکین، بیوتات و امثالهم نیز در داخل و یا کنار «رباط‌های» واقع در مزارع سخن به میان آمده و این عمارات و لواحق را بخشی از مزرعه مزبور دانسته‌است. در این مورد می‌توان به بخشی از «وقف‌نامه میرزا اسحق بیک یزدی»، مربوط به اواخر دوره صفوی در یزد اشاره کرد.

بنابراین؛ اسناد اشاره شده، حکایت از این دارند که «قلعه‌ها و دسکره‌های» کشت‌خوانی یزد، در اسناد تاریخی، بخشی از «مزرعه مسکون» بودند و دارای اضافات، لواحق و عمارات بودند؛ اما به جزء اسناد تاریخی معتبر، نتایج بازدید میدانی نیز، مبین موضوع یادشده است. پیمایش میدانی و مطالعه اسناد و جغرافیای تاریخی مربوط به آن، که به‌طور ویژه در استان یزد در سال ۱۳۹۴ ه.ش انجام شده است، نشان می‌دهد؛ که سکونت به‌صورت دائم و فصلی در این مزارع (دساکر کشت‌خوانی) وجود داشته و شکل‌گیری عناصر مختلف کالبدی مانند خانه‌های اربابی و رعیتی، شاه‌کوچه، طاحونه، مصنعه، حصار و برج و بارو، مجموعه ورودی، اسطبل، انبار غله و. در آن، امکان سکونت را برای گروه رعیتان و مالک، فراهم کرده بود. در برخی از آن‌ها؛ که دارای وسعت بیشتری بودند مانند ابراهیم‌آباد رستاق، مهرپادین مهریز، رحمت‌آباد یزد، وزیر رکن‌آباد میبد، عناصری مانند خندق، حصارهای دوجداره، حسینیه و مسجد و حمام نیز افزود شده بود. دوره‌های ساخت این مزارع مسکون که قلاع، بخشی از آن محسوب می‌شد؛ بنا بر نظر کارشناسان پرونده ثبتی آثار، ۱۳۸۱ مربوط به قرون اولیه اسلامی، قرن ۸ و ۹ ه.ق، صفوی و قاجار است و روند


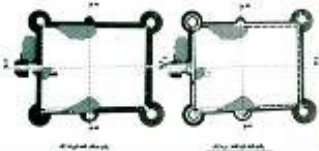

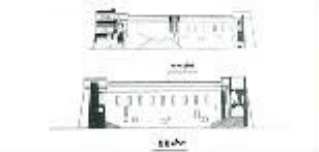





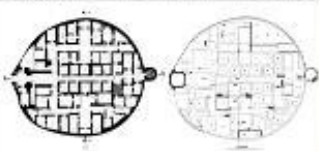

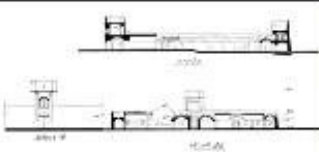

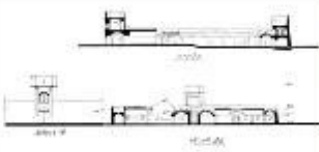





جدول ۱: معرفی قلاع (دساگر) کشتخوانی

قلاع (دساگر) کشتخوانی				
ردیف	نام	دوره تاریخی	تصاویر	نقشه
۱	ابراهیم آباد رسنلق			
۲	حسین آباد شغیج پور			
۳	قلعه سعید ندوشین			
۴	مهرجرد میباد			



جدول ۱: معرفی قلاع (دساگر) کشتخوانی

قلاع (دساگر) کشتخوانی				
ردیف	نام	دوره تاریخی	تصاویر	نقشه
۵	نبردآباد یزد			
				
				
۶	بافر آباد بافق			
				
				
۷	بندر آباد مسیند			
				
				




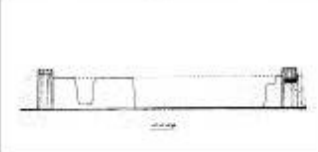



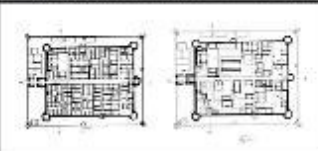

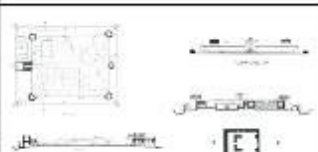

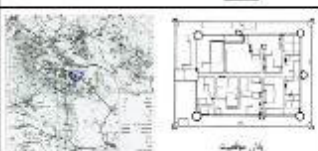



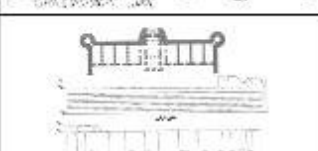

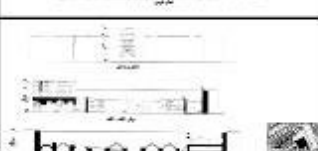


جدول ۱: معرفی قلاع (دساگر) کشت خوانی

قلاع (دساگر) کشت خوانی				
ردیف	نام	دوره تاریخی	تصاویر	نقشه
۸	خورمبیز مهریز			
۹	دهوک			
۱۰	رحمت آباد			



جدول ۱: معرفی قلاع (دساگر) کشتخوانی

قلاع (دساگر) کشتخوانی				
ردیف	نام	دوره تاریخی	تصاویر	نقشه
				
۱۱	محمد باقری هرات			
				
				
۱۲	مهردادین مهروز			
				
				
۱۳	وزیر زکریا آباد			
				

در این مجموعه زندگی می‌کردند، در کشت خان اطراف و متعلق به ارباب مجموعه، به زراعت و تولید محصولات کشاورزی و دام‌پروری مشغول بودند و درازای انجام خدمات، می‌توانستند، در داخل مجموعه به همراه خانواده، به زندگی ادامه دهند. عموماً مالک، خانه‌ای برای زارع می‌ساخت تا در آن ساکن شود و گاهی هم به زارع اجازه می‌داد تا خود خانه‌ای برای سکونت بسازد، با این شرط که پس از ده سال، خانه به ارباب تعلق گیرد. ارباب مزرعه، مالک انسان‌ها و احشام داخل مزرعه بود و در گاهی اوقات، کلیت مزرعه با ساکنین آن، به شخص دیگری فروخته یا واگذار می‌شد. (رنه دالمانی ۱۳۳۵، ۷۴)

نکته بااهمیت، انفصال بخش اربابی با رعیتی، در یک مجموعه کالبدی واحد است. خط اتصال آن‌ها، شاه‌کوچه است که به نظرمی‌رسد؛ یک فضای تقسیم‌کننده باشد. ورودی اغلب فضاها، از شاه‌کوچه، منشعب می‌شود. خانه‌های اربابی، اغلب دارای معماری وزین‌تری هستند و با الگوی حیاط مرکزی، چهاربخشی، با تزیینات ویژه و رفبندی دیده می‌شوند و خانه‌های رعیتی، بسیار ساده، خشتی، با سقف کوتاه و حقییرانه ساخته شده‌اند و پلاس نامیده می‌شوند. (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۸) بیش از هر چیز موضوع امنیت و دفاع، در برابر تهاجمات و ناامنی‌های درونی و بیرونی، نقش اساسی در شکل مجموعه داشته‌است. (شفیعی ۱۳۸۰، ۵۹-۵۳) کلیه عناصر مذکور، به وسیله یک باروی کبیره با برج‌های دیدبانی متعدد، محدود شده و دارای یک ورودی اصلی هستند. (نک: جداول شماره ۲) بسیاری از این مجموعه‌ها، در کنار روستاها قرار دارند مانند مزارع کلانتر و شمس‌آباد و یا خود، در قامت یک قریه دیده می‌شوند مانند مزرعه شاه‌آباد و برخی دیگر مانند مزرعه طرازآباد؛ ارباب مزرعه، پس از انقلاب، کل مزرعه را به رعیت‌ها واگذار کرده و با خشکیدن قنات‌ها، مزرعه رو به ویرانی رفته، ساختار معماری آن متلاشی، شده و هم‌اکنون، تبدیل به آغل احشام شده است. (مصاحبه با آقای کارگر، مالک کنونی مزرعه طرازآباد یزد ۱۳۹۴)



















ب: مجموعه‌های کشت‌خوانی اربابی و رعیتی:

آنچه در قالب مجموعه‌های کشت‌خوانی در عزت‌آباد ابرقو، طرازآباد، شمس‌آباد، ده شیخ، مزرعه کلانتر، شاه‌آباد در یزد دیده شده است، مزارع مسکونی هستند که از ترکیب چندین خانه اربابی و رعیتی، کشت‌خوان، باغ، قنات، اسطبل، شاه‌کوچه، طاحونه، مصنعه، درختان کهن‌سال، نمازخانه، مسجد، حسینیه و. به وجود آمده و در یک گستره مکانی خاص با دو ویژگی سکونت و تولید، با نظام اجتماعی ارباب‌ورعیتی، شکل گرفته‌است. هر مزرعه، دارای یک یا چند مالک یا ارباب بود یا یک ارباب، مالک چندین مزرعه می‌شد و می‌بایست در قالب توافق‌نامه‌ای نسبت به پرداخت خراج دیوانی به دولت اقدام کند. در برخی اوقات نیز از پرداخت مالیات معاف می‌شد یا مزرعه در تیول، سیورغال یا عطیه صاحب‌منصبی قرار می‌گرفت. ایرج افشار، در تشریح نمونه‌هایی از «مجموعه‌های کشت‌خوانی یزد» از مزرعه حسینی می‌نویسد و باغ و عمارت و مسجد را بخشی از مزرعه می‌داند و بنابر اسناد جامع مفیدی، آن را مزرعه می‌نامد. (افشار ۱۳۷۴، ۳۹۰) در وقف‌نامه‌ها نیز به کرات درباره الحاقات و لواحق مانند طاحونه، مصنعه، بیوتات، دکاکین، صحاری، جداول، انهار و امثالهم در مزارع و در قالب مجموعه‌های کشت‌خوانی اشاره شده است و این به معنای، مسکون بودن مزارع وقفی بوده‌است. در این مورد می‌توان به نوشته‌هایی از «موقوفات فراشاه» توجه کرد. در این وقف‌نامه که مربوط به دوره صفوی است، ساختار مجموعه‌های کشت‌خوانی (مزرعه چفته) تشریح شده و رقبات و حاصل و خراج آن‌ها مشخص شده است.

براساس اسناد موجود، مالکین در نزدیک‌ترین شهر به روستاها و مزارع تحت تملک خود و یا در مواردی در روستاهای بزرگ و مزارع خود، دارای عمارت‌هایی بودند. محل استقرار و پایگاه مالک حتی اگر خود وی، در شهر دیگری به سر می‌برد، به‌طور معمول، در نزدیک‌ترین محل بود. (عنبری و طالب ۱۳۸۷، ۱۵۹) ساختار معماری این عمارات و مجموعه‌ها، درخور توجه است. مجموعه‌مسکون و خدماتی مزارع، از کشت‌خوان، با حصار جدا می‌شود اما دارای پیوستگی و قرابت کارکردی است. رعیتانی که



جدول ۲: معرفی مجموعه های کشت خوانی

(مجموعه های کشت خوانی)				
ردیف	نام	دوره تاریخی	تصاویر	نقشه و عکس
۱	ده شیخ			
				
				
۲	شاه آباد			
				
				
۳	شمس آباد			
				
				





جدول ۲: معرفی مجموعه های کشت خوانی

(مجموعه های کشتخوانی)				
ردیف	نام	دوره تاریخی	تصاویر	نقشه و عکس
۴	طراز آباد			
۵	عزت آباد لیرفو			
۶	مزرعه کلانتر			



جدول ۳: معرفی ویژگی‌های تاریخی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مزارع مسکون تاریخی یزد

ردیف	ویژگی‌های تاریخی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۱	ویژگی‌های تاریخی ۱- بقایای مزارع، اغلب مربوط به دوره‌های قاجاریه و پهلوی است اما اسناد مکتوب تاریخی نشان می‌دهد؛ در دوره‌های پیش‌تر (قرن ۸ و ۹ ه.ق و دوره صفوی) نیز وجود داشته‌اند و هم‌اگره مورد مرمت و تجدید قرار می‌گرفتند. ۲- مزارع، مأمّن و محل وقوع بسیاری از وقایع تاریخی بوده است. ۳- فهم موضوع می‌تواند، مایه حفاظت از ادبیات و تاریخ وقایع و اتفاقات در مزارع باشد.
۲	ویژگی‌های کالبدی ۱- مزارع یزد به‌صورت مستقل و تابعه در دل قصبات و در قالب ضیعات دیده می‌شوند. ۲- مزارع، از نظر وسعت؛ به دو صورت کبیره و صغیره دیده می‌شوند. ۳- مزارع، از نظر مالکیت به چندین دسته تقسیم می‌شوند: «جکسون پولاک، ۱۳۶۱» مزارع را در نظام مالکیت بر شش قسم دیده است: ۱. اربابی؛ ۲. رعیتی؛ ۳. وقفی؛ ۴. خالصه؛ ۵. تیول؛ ۶. ملک شخصی. (پولاک ۱۳۶۱، ۳۵۱). کلیه نظام‌های اشاره‌شده با یکدیگر در ارتباط و لازم و ملزوم یکدیگر بوده‌اند. ۴- مزارع مسکون یزد، از نظر نظام ساختاری، بادالگوی، قلاع کشت‌خوانی و مجموعه‌های کشت‌خوانی دیده می‌شوند. ۵- مزارع غیرمسکون، دارای ساختاری ساده، محصور با حصار و برج‌های چهارگانه یا چندگانه، خشتی و چینه‌ای دیده می‌شوند؛ اما در مزارع مسکون یزد، علاوه بر ساختار یادشده، قلاع و مجموعه‌های کشت‌خوانی، حمام، طاحونه، مسجد، حسینیه، مصنعه، برج‌های دیدبانی، کنده، سلخ، آبگیر و درختان کهن‌سال نیز دیده می‌شود. ۶- قطعه، کشت‌خون، باغ و دسکره، چهار بخش اصلی مزارع مسکون یزد به حساب می‌آید. ۷- الگوی معماری غالب در مزارع، مربوط به دوره قاجاریه است، اما می‌توان الگوهایی از دوره‌های پیش و پس از آن مشاهده کرد، به‌ویژه در قلاع کشت‌خوانی. ۸- آثار و تک‌دانه‌های تاریخی واجد ارزشی در این مزارع قابل‌شناسایی است. ۹- بسیاری از مزارع، در گذر زمان، تبدیل به روستا و شهر شده‌اند مانند مزرعه خورمیز یزد و... ۱۰- مدرنیته و زندگی شهری، خشک‌سالی، نبود فهم و عدم حفاظت از آن، به‌صورت تدریجی بر نوع جریان زندگی و معماری مزارع تأثیر گذاشته و به مرز نابودی کشانده است.
۳	ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱- بسیاری از مزارع یزد از نظر بهره‌برداری؛ با نظام وقف و ارباب - رعیتی اداره می‌شدند. ۲- اطلاعات درخوری درباره نظام دیوانی، مالی، خراج، آبیاری و بهره‌برداری در مزارع مسکون یزد نهفته است. ۳- نظام واگذاری مزارع مانند تیول، سیورغال، عطیه می‌تواند منبع و مأخذ مناسبی برای تحقیق درباره الگوهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره‌های تاریخی پیشین است. ۴- قطعات، کشت‌خون و باغات، محل کاشت و برداشت محصولات اهالی است. ۵- آب چشمه و قنوات به‌عنوان منبع اصلی حیات در برخی از مزارع مسکون فعال است. ۶- دام‌پروری و تولید سنتی در برخی از مزارع زنده و پویا است. ۷- به لحاظ اقتصادی و فرهنگی با روستاها و شهرهای اطراف، ارتباط مستقیم و غیرمستقیم وجود دارد (دادوستد، تجارت و تولید). ۸- برخی از مزارع زنده تا حدودی به لحاظ فرهنگی - اجتماعی متأثر از روستاها و شهرها اطراف هستند. ۹- در بسیاری از مزارع مسکون، زندگی امروزی به طرق مختلف وجود دارد. ۱۰- ساخت و پرداخت صنایع‌دستی مانند گیوه، سبد و ... در برخی مزارع وجود دارد. ۱۱- این مزارع هنوز محل خاطرات جمعی و داستان‌ها عامیانه و ادبیات شفاهی مردم منطقه است. ۱۲- در ادبیات مکتوب به‌ویژه اسناد تاریخی و وقف‌نامه‌ها، درباره مزارع یزد، مستندات و وجود دارد که می‌تواند بستر مناسبی برای فهم باشد ۱۳- به لحاظ پژوهش‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی دارای بستر مطالعاتی مناسبی هستند. ۱۴- بسیاری از اهالی مزارع هنوز از لباس‌های بومی و سنت‌های محلی گذشته استفاده می‌کنند. علاوه بر این، در داخل مزرعه نیز بین اعضاء مختلف، نظام اجتماعی ویژه‌ای حاکم بوده است. این موضوع را «طالب و عنبری ۱۳۸۷، ۱۵۹» در کتاب «جامعه‌شناسی روستایی»، «صفی نژاد ۱۳۶۸، ۴۳» در کتاب «بینه» و همچنین «حکمت یغمایی ۱۳۶۴، ۸۹» در کتاب «بر ساحل کویر نمک» تشریح کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

در استان یزد، مزارع مسکون به اشکال مختلف و در جای‌جای آن قابل مشاهده است. به‌ویژه در محور یزد، دهشیر و تفت به ابرقو، می‌توان مزارع مسکون کبیره و صغیره فراوانی را در قالب دو الگوی «دساگر و مجموعه‌های کشت خوانی»، شناسایی کرد. بسیاری از آن‌ها، متروکه شده و به حال خود رهاشده‌اند و برخی دگر، با حفظ کلیتی از نظام معماری، هم‌اکنون محلی برای نگهداری احشام هستند و از تعدادی از آن‌ها، نیز اثری برجای نمانده است. بخشی از آسیب‌ها به مزارع مسکون، در زمانی آغاز شده است که، پایه بسیاری از موقوفات و دستورالعمل‌های آن، با درگذشت واقف و اخلاف آنان، سست شده و رقبات به حال خود رهاشده‌اند یا در دوره‌های خاصی، موقوفه‌ها، به املاک شخصی و خالصجات شاهی تبدیل شده و پس‌از آن واگذار یا فروخته شدند.

همان‌گونه که در منابع مختلف آمده است، مزارع فراوانی، وقف مساجد و مدارس و خانقاه‌های یزد بودند و بر اساس متن وقف‌نامه‌ها، از محل درآمد رقبات، عمارت و آبادان می‌شدند و با این نظام مدیریت منابع، از یک طرف، به حفاظت از مزارع پرداخته می‌شد و از طرف دیگر، پشتوانه مالی و دیوانی عظیمی برای ساماندهی امورات اماکن مذهبی، بهداشتی، آموزشی و خدماتی، مهیا می‌گشت. درواقع یکی از راه‌های حفاظت مزارع، وقف آن‌ها بود و از محل درآمد رقبه، اول باید خود مزرعه، عمارت و آبادان می‌شد. در متن وقف‌نامه‌های بسیاری، بر موضوع یادشده، تأکید شده است. علاوه بر آن، عواملی چون؛ خشک‌سالی صنعت‌زدگی در بخش کشاورزی، تأثیرات اصلاحات ارضی، عدم هارمونی بین نظام سنتی و نظام مدرن مزرعه‌داری، مهاجرت، شهرزدگی و امثال آن نیز، در این زمینه بی‌تأثیر نبوده‌است.

می‌توان با مطالعات ویژه بر روی اسناد مکتوب و شفاهی و بررسی و پیمایش میدانی و تفسیر و تأویل آن‌ها به درک و پس‌از آن به فهم نسبت به موضوع نزدیک شد. این مهم می‌تواند در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، مورد بحث و مکاشفه قرارگیرد. ارزش‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی،

اقتصادی و سیاسی موجود در مزارع مسکون تاریخی، در جوامع مختلف محلی، ملی و بین‌المللی شناسانده شوند. این آثار، می‌توانند در بعد بین‌المللی، با توجه به موارد مطروحه در کنوانسیون‌ها، توصیه‌نامه‌ها و منشورهای بین‌المللی، در گروه مناظر فرهنگی، به‌عنوان میراث مادی و فرهنگی جهان قلمداد شوند و موجبات بیشتر مشارکت بخش‌های فرهنگی و اقتصادی خصوصی و دولتی را برای حفاظت فراهم آورند و اندیشمندان این حوزه می‌توانند با تدقیق مفاهیم حفاظت در این آثار و با توجه به مقولاتی مانند آگری توریسم و فارم توریسم به احیاء آن‌ها بپردازند. تجارب مشابهی نیز در زمینه کوشش، حفاظت و احیاء مزارع مسکون در سطح بین‌المللی وجود دارد که شاید نتواند به طور کامل، نقشه راه مناسبی برای حفاظت از مزارع مسکون ایران باشد؛ اما بررسی آن‌ها، تأثیر بسزایی در فهم موضوع خواهد داشت.

ما هم‌اکنون با پدیده‌ای مواجه هستیم که اگر به شناخت و حفاظت از آن، علاقه‌مند نباشیم، نه تنها، گونه‌ای کم‌شناخته‌شده از معماری ایران، بلکه بخشی از تاریخ تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تأثیرگذار بر معادلات پیچیده و نظام دیوانی کشور را از دست خواهیم داد. مزارع مسکون و غیرمسکون در طول تاریخ با حوزه‌هایی چون کشاورزی، اقتصاد، سیاست، دین، فرهنگ و بسیاری حوزه‌های دیگر در ارتباط تنگاتنگ بوده است. فهم مزارع مسکون تاریخی، شناخت بخش وسیعی از فرهنگ عامیانه و شفاهی اقوام است. نظام دادوستد، خراج و باج، مالکیت‌ها، واگذاری‌ها و نظام حقوقی، قضایی و دیوانی وسیعی در آن مستتر است که نیاز به تفسیر، تأویل و مکاشفه دارد و مهم‌ترین و اولین اقدام، می‌تواند، ایجاد فهم برپایه مطالعات عمیق میدانی و سندپژوهی در این زمینه باشد.



۱- ابونصر هروی در باب منزلت زراعت در ارشادالزراعه آورده است: «...} و از سخنان سید اسماعیل گرگانی است که سبب بقای عالم چهار چیز است: اول امر دهقنت، دوم صنعت اصحاب حرف، سوم سیاست و مهابت ملوک و سلاطین چهارم علم علماء» (ابونصر هروی ۱۳۶۴، ۸).
 ۲- از بسیاری از اسناد مکتوب چون: (سفرنامه خراسان و کرمان اثر غلامحسین افضل الملک ۱۳۶۰، ۱۰۰؛ مرآت البلدان محمدحسن خان اعتمادالسلطنه ۱۳۶۸، ۱۹۳۵؛ میراث فرهنگی نطنز اثر سید حسن اعظم واقفی ۱۳۷۴، ۱۴۶؛ بر ساحل کویر نمک اثر حکمت یغمایی ۱۳۶۹، ۲۲۰؛ ایبانه و فرهنگ مردم آن اثر زین العابدین خوانساری ۱۳۷۸، ۶۶؛ مسافرت نامه کرمان و بلوچستان اثر فرمانفرما ۱۳۸۳، ۳۵؛ تاریخ قم اثر حسن بن عبدالملک قمی ۱۳۸۵، ۱۷۱؛ تاریخ کاشان اثر عبدالرحیم کلانتر ضرابی ۱۳۳۵، ۹۹؛ نجم الملک ۱۳۴۱، ۱۰؛ مالک و زارع در ایران اثر لمبتون ۱۳۴۵، ۱۲۲؛ نگرشی بر مهرنامه های عصر قاجاریه در بیرجند ۱۳۸۵، ۵۹؛ یادگارهای یزد اثر ایرج افشار ۱۳۷۴، ۲۲۵ و) استفاده شده است.

۳- واژه «مزارع مسکون» محصول دوره قاجار است، از قرون اولیه اسلامی تا پیش از دوره قاجار، سندی به دست نیامده است که در آن از واژه «مسکون» در پسوند واژه «مزرعه» استفاده شده باشد. در دوره قاجار، اعتمادالسلطنه در مرآت البلدان ۱۳۶۸، ج ۴، ۲۲۲۶ از مزارعی نام می برد که مسکون هستند و تشریح می کند که دارای جمعیت ثابت، محصول سیفی و شتوی، عناصر خدماتی بوده و به نوعی خودکفای محسوب می شوند. در ادامه افضل الملک ۱۳۶۰، ۷۳ و دیگران بر این موضوع صحه می گذارند.

۴- سیورغال، مأخوذ از کلمه سیورغامیش به معنی هبه و بخشش است. (حسن آبادی ۱۳۸۶، ۶۴)
 ۵- این موضوع، توسط گروه کارشناسی منظرهای فرهنگی (لاپتیت پیپر، فرانسه: ۲۴ تا ۲۶ اکتبر ۱۹۹۲) تهیه شده است. نگاه کنید به سند Add/10/202.CONF/92-WHC و سپس کمیته میراث جهانی در اجلاس شانزدهم (سان تافه، ۱۹۹۲) تصویب کرد؛ تا به راهنمای اجرایی افزوده شود. (نگاه کنید به سند Add/10/202.CONF/92-WHC). (راهنمای اجرایی کنوانسیون میراث جهانی ۲۰۰۸، ۷۹-۷۸).

۶- «نافج، چهار مزرعه دارد؛ {...} ملکی خانباخان است. مسجد و عمارت اربابی خوب هم دارد، حمام بسیار خوب و دو باب عطارخانه، دو باب آسیاب، خانباخان، در آنجا ساخته است. امامزاده علی اکبر در آنجا مدفون است.» (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۸، ج ۴، ۱۹۳۵).

۷- «...جمع المزرعه المدعوه بحارین، احدی مزارع قریه فیروزآباد من قری مدینه میبد، من نواحی بلده یزد باراضی مزرعه دستجردوک، {...} الواقف منها الاراضی الواقعه بمزرعه مدعوه بمیبد و تلک ایضا مشتمله علی قطعات متفرقات مشتملات بحدودها المخصوصات بها؛ و قطعه واقعه بوسط کشخوان، محدوده بارض ورثه موفق بن قوام الدین مسعود بن شاپور. و جمیع الباغ الواقع فی الصحراء المذكوره من الدسکره المعینه، وذلک متعارف بباغ کافی، فمبعها صحراء قصبه مهریچرد و {...} فی قریه بفرویه من قری میبد من ناحیه بلده یزد.» (افشار ۱۳۷۴، ج ۲، ۵۳۷-۴۵۶)
 ۸- در منابعی چون «نرخشی، ۱۳۶۳» نیز به مزارع و کوشک هایی که به مزارع مسکون نزدیک هستند، سخن به میان آمده است.

۹- دسکره؛ قریه و صومعه و زمین مسطح، خانه های عجم که در آن شراب و ملاحی باشد و خانه ای که در اطراف آن خانه ها قرار گرفته، جمع آن دساکراست. (دهگان ۱۳۸۹، ۱۹۹) ابن رُسته (۲۹۰ قمری) می نویسد: «آن دسکره شهر بزرگی است و قصری در آن وجود دارد که از آثار خسروان است و حصاری بلند دور آن وجود دارد و در ضلع غربی دری دارد و داخل آن ساختمان و بنایی وجود ندارد.» (باستانی راد ۱۳۹۳، ۷۰)
 ۱۰- «متصل به آبادی مور، مزرعه ای به نام عسکریه هست {...} و بقایای مختصر قلعه ای که قسمتی از آن هنوز پابرجاست {...} عبدالحسین آیتی آن را متعلق به مزرعه «سروشین» soroshin شمرده است» (آتشکده یزدان، ص ۲۶۵) (افشار ۱۳۷۴، ج ۱، ۳۷۳-۳۷۲)

۱۱- ایرج افشار در جلد اول کتاب یادگارهای یزد، به تشریح حدودثغور رباطی می پردازد که بخشی از مزرعه نارستان بوده است: «جنوب غربی عقدا قریه کوچک نارستان واقع است. {...} در این دهکده رباط آجری و سنگی {...} وجود دارد. که در محل، آن را «قلعه» می نامند. در جامع مفیدی به این دهکده اشاره شده و نوشته است: «مزرعه نارستان، مکانی است محل نزول قوافل، حاجی شرف الدین عقدائی در آنجا سرائی محقر ساخته...» به نظر من این «سرا» جزء، کاروانسرای فعلی بنای دیگری نیست. (افشار ۱۳۷۴، ج ۱، ۳۹)

۱۲- «نزدیک به مزرعه نیدیوک (Nidiok)، {...} بقایای قلعه ای سنگی هست که حدود یکصد متر مساحت زیربنای آن است.» (همان، ۴۴۹)
 ۱۳- «احمد علی خان وزیر وزیر دربارۀ کرمانشاه گوید: مزرعه ای است قلیل الماء از محدثات مرحوم گنجعلی خان، مرحوم محمداسمعیل خان وکیل الملک در سنه ۱۲۸۰ هجری، کاروانسرای آجری در آنجا بنا نموده و قلعه قدیمی را نیز تعمیر کرد.» (افشار ۱۳۷۴، ج ۱، ۲۲۶-۲۲۵)
 ۱۴- «وقف کرده این در راه عالی حضرت میرزا اسحق بیگ یزدی بر مسجد {...} تحریرا فی سنه (۱۰۳۵) دیگر احداث مصنعه و بازار و تعمیر رباطی که واقع است در مزرعه چفته مابین قصبه میبد و قریه عقدا از توابع دارالعباده یزد نمودند.» (افشار ۱۳۷۴، ج ۱، ۶۲۲)

۱۵- تیول، جای گزین مدد معاش و لغت ترکی است. در برخی موارد تیول عبارت بود از اعطای زمین خالصه به جای حقوق و مواجب (شریف، بی تا: ۸۱) در منابعی چون «مالک و زارع در ایران اثر لمبتون ۱۳۴۵، ۱۲۲؛ فوران ۱۳۷۸، ۵۷؛ شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان اثر پیگولوسکایا ۱۳۶۷، ۲۸۲ و...» به کرات به نظام هایی چون تیول داری و اقطاع داری (اقطاع التملیک و اقطاع الاستغلال) برای ساماندهی امور دیوانی و لشکری کشور اشاره شد.



۱۶- حسینی، آبادی کوچکی است که بنا بر ضبط جامع مفیدی از مزارع متعلق به محمد امین میر جمله بوده و طبق حکایت سنگ مسجدش تا سال ۱۲۷۸ حالت مزرعه‌ای داشته است. آثار قدیمش بدین شرح است: ۱- درخت سرو ۲- «باغ حرم»، بقایای باغ و عمارت‌هایی است از دوره قاجاری که رو به ویرانی می‌رود. ۳- در محراب مسجد سنگ مرمر بدخطی نصب است. آن مقدار از کتابه آن که خوانده شد چنین است:

به عهد همایون به سالی خجسته
 شد این مزرعه، ده ز تعمیر مسجد
 بنا کرد... ز همت یگانه
 خدایش دهد اجر در روز محشر
 همه اهل ده را بود چشم بینا
 درین عرصه مسجد ازو طور سینا

شود رشک «۱۲۷۸ ه.ق (افشار ۱۳۷۴، ج ۱، ۴۳۰-۴۲۹)»
 ۱۷- «... همچنین بجهت آبادی مصنعه و بازار و رباط در «مزرعه چفته» مقرر نمودند که {...} آن چه حاصل شود بعد از وضع خراج و نفقه القنوات و مصالح الاملاک، خرج عمارت دکاکین و رباط و مصنعه باشد و اگر چیزی زاید آید، نزد متولی به امانت باشد.» (افشار ۱۳۷۴، ج ۲، ۶۳۳-۶۲۲)

۱۸- حکمت یغمایی «نیز درباره ویرانی برخی از مزارع خور و بیابانک می‌نویسد: «تعدادی از مزارع خالی از سکنه است و کشاورزان به روستاهای بزرگ‌تر کوچیده‌اند.» (حکمت یغمایی ۱۳۶۹، ۲۲۰). او همچنین در صفحات دیگر ادامه می‌دهد: «در سال ۱۲۸۵ شمسی که «سونهدین» از این مزرعه در دو فرسنگی خور گذشته، آنجا را مخروبه توصیف می‌کند. (همان، ص ۲۷۶).

۱۹- مستوفی، در سطور پایین، سرگذشت آبادانی و خشک‌سالی در مزرعه میرزا حسین مستوفی در یزد را توضیح می‌دهد: «مزرعه میرزا حسین مستوفی، در آن‌جا چشمه‌ای است (۱۳۰ ب) {...} ایشان در آبادانی آن همت گماشته، چند باغ احداث کرد و مدتی اوقات صرف آن نمود. چون به حکم قضا رخت هستی به منزل عقبی کشید باز آن «مزرعه» روی به خرابی نهاد.» (مفید مستوفی ۱۳۴۰، ۶۷۹)

فهرست منابع

۱. ابونصری هروی، قاسم بن یوسف. ۱۳۴۶. *ارشادالزرعه*. اهتمام محمد مشیری. تهران: دانشگاه تهران.
۲. ادوارد پولاک، یاکوب. ۱۳۶۱. *سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان*. ترجمه کی‌کاووس جهان‌داری. تهران: خوارزمی.
۳. افشار، ایرج. ۱۳۷۴. *یادگارهای یزد، معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی شهر یزد*، ج ۱ و ۲. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. ۱۳۶۸. *مرآت‌البلدان*، ج ۱ و ۴. به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.
۵. اعظم واقفی، سید حسن. ۱۳۷۴. *میراث فرهنگی نطنز، آثار تاریخی، آداب، سنت‌ها و تاریخ نطنز*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. اعظم واقفی، سید حسن. ۱۳۸۱. *میراث فرهنگی نطنز*، جلد دوم. تهران: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۷. افضل الملک، غلامحسین. ۱۳۶۰. *سفرنامه خراسان و کرمان*. به اهتمام قدرت‌الله روشنی. تهران: توس
۸. الهمدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۵۶. *وقفنامه ربع رشیدی*. به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
۹. اوا سابتلی، ماریا. ۱۳۸۷. *باغ ایرانی: واقعیت و خیال*. ترجمه‌ی داود طبایی. *گلستان هنر* (۱۲): ۲۹-۱۶.
۱۰. باستانی راد، حسن. ۱۳۹۳. *شهر در ایران زمین*. تهران: علم.
۱۱. پرتوی، پروین. ۱۳۹۲. *پدیدارشناسی مکان*. تهران: فرهنگستان هنر.
۱۲. پیگولوسکایا، نینا. ۱۳۶۷. *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*. ترجمه‌ی عنایت‌الله رضا. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۳. حسن آبادی، ابوالفضل. ۱۳۸۶. *نگاهی به اسناد سیورغال در دوره صفویه (بررسی اسناد سیورغال موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی)*. فصلنامه گنجینه اسناد (۶۷).
۱۴. حکمت یغمایی، عبدالکریم. ۱۳۶۹. *بر ساحل کویر نمک*. تهران: توس.
۱۵. حسینی یزدی، سیدرکن‌الدین. ۱۳۴۱. *جامع‌الخیرات*. به کوشش ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: فرهنگ ایران‌زمین.
۱۶. خوانساری، زین‌العابدین. ۱۳۷۸. *ابیان و فرهنگ مردم آن*. تهران: گنجینه هنر.
۱۷. دهقانزاد، مرتضی و مولود ستوده. ۱۳۸۹. *فرمانگذاری خالصجات در اصفهان در دوره ناصرالدین‌شاه (تبدیل زمین‌های دولتی به اربابی به‌طور مشروط)*. فصلنامه گنجینه اسناد، دفتر سوم.
۱۸. دهگان، ابراهیم. ۱۳۸۹. *دسکره*. فصلنامه گنجینه اسناد، دفتر سوم.



۱۹. دفتر منطقه‌ای یونسکو. ۱۳۸۸. *راهنمای اجرایی کنوانسیون میراث جهانی*. ترجمه‌ی فرزین فردانش. تهران.
۲۰. رنه دالمانی، هانری. ۱۳۳۵. *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه‌ی محمدعلی فره‌وشی. تهران: امیرکبیر.
۲۱. سوافیلد، سایمون. ۱۳۹۰. *نظریه در معماری منظر*. ترجمه‌ی محسن فیضی و دیگران. تهران: فرهنگ متین.
۲۲. شریف، علی اصغر. بی تا. لغو تیول و تیول داری. *بررسی‌های تاریخی* ۸(۱): ۷۹-۸۵.
۲۳. شفیع، محمدرضا. ۱۳۸۰. *قلعه نهچیر؛ میراثی از اوایل قاجار*. فرهنگ اصفهان (۲۰): ۵۳-۵۹.
۲۴. شیخ الحکمایی، عمادالدین (و). ۱۳۸۸. *اسناد معماری ایران، دفتر اول*. تهران: مؤسسه تألی، ترجمه و نشر آثار هنری.
۲۵. صفی نژاد، جواد. ۱۳۶۸. *بنه (نظام‌های زراعی سنتی در ایران)*. تهران: امیرکبیر.
۲۶. طالب، مهدی. ۱۳۷۶. *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. طالب، مهدی، و موسی عنبری. ۱۳۸۷. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: دانشگاه تهران.
۲۸. فرمانفرما، عبدالحسین میرزا. ۱۳۸۳. *مسافرت نامه کرمان و بلوچستان*. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
۲۹. فلاحت، محمدصادق، و محمدحسن طالبیان. ۱۳۸۵. *منظرهای فرهنگی*. پایگاه میراث جهانی تخت جمشید.
۳۰. قمی، حسن بن عبدالملک قمی. ۱۳۸۵. *تاریخ قم*. تصحیح سید جلال‌الدین تهرانی. قم: زائر - آستانه مقدسه.
۳۱. کاتب، احمدبن حسین بن علی. ۱۳۴۵. *تاریخ جدید یزد*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۲. کتابخانه و مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری شهر تاریخی میبد. ۱۳۹۴.
۳۳. کتابخانه و مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان یزد. ۱۳۹۴.
۳۴. کریستن سن، آرتور. ۱۳۷۴. *وضع ملت و دولت در دوره شاهنشاهی ساسانیان*. ترجمه‌ی مجتبی مینوی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۵. کلانتر ضرابی، عبدالرحیم (سهیل کاشانی). ۱۳۳۵. *تاریخ کاشان*. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
۳۶. گروت، لیندا، و دیوید وانگ. ۱۳۹۲. *روش‌های تحقیق در معماری*. ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.
۳۷. لمبتون، ا.ک.س. ۱۳۴۵. *مالک و زارع در ایران*. ترجمه‌ی منوچهر امیری. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۸. مکرمیفر، ابوالفضل، زهرا علیزاده بیرجندی، کلثوم کاظمی، و محمدرضا سروش. ۱۳۸۵. *نگرشی بر مهرنامه‌های عصر قاجاریه در بیرجند*. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور.
۳۹. نجم‌الملک، حاج میرزا عبدالغفار. ۱۳۸۵. *سفرنامه خوزستان*. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۴۰. نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر. ۱۳۶۳. *تاریخ بخارا*. ترجمه‌ی ابونصر احمد ابن محمد ابن نصر قبادی، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، تصحیح و تحشیه محمدتقی مدرس رضوی. تهران: انتشارات توس.

References

1. Abu Nasr Heravi, Qasim bin Yusuf. 1967. *Ershad al-Zera'eh*. Tehran: Tehran University.
2. Afshar, Iraj. 1995. *Monuments of Yazd, Historic Architectures' and Ancient Relics' state of the art, Vol. 1 and 2*. Tehran: Anjoman Asar va Mafakhre Farhangi.
3. Afzal al-Mulk, Gholam Hossein. 1981. *The Itinerary of Khorasan & Kerman*. Tehran: Toos.
4. Al-Hamdani, Rashid al-Din Fazlallah. 1977. *Vaghf deed of Rabe Rashidi*. By Efforts of Mojtab Minoee and Iraj Afshar. Tehran: National Organization of Conserving Ancient Relics.
5. Azam Vaghefi, Seyed Hassan. 1995. *Cultural Heritage of Natanz, Historic relics, Customs, Traditions & the History of Natanz*. Tehran: Sherkat Elmi Va Farhangi Publishing Corporation.
6. Azam Vaghefi, Seyed Hassan. 2002. *Cultural Heritage of Natanz, Vol. 2*, Tehran: Tehran University.
7. Bastani rad, Hasan. 2014. *City in Iran*. Tehran: Elm.
8. Christensen, Arthur. 1995. *The Condition of the Nation, the State and the Royal Court in Sassanid Empire*. Translated by Mojtaba Minavi. Tehran: Humanities and Cultural Studies Research Center.
9. Dehghan, Ebrahim. 2010. Castle. *Quarterly Magazine of Ganjine Asnad*, Vol. 3.
10. Dehghan Nejad, Morteza, and Molod Sotodeh. 2010. Managing Governmental Properties in Isfahan in Naserodin Shah Reign. *Quarterly Magazine of Ganjine Asnad*, Vol. 3.
11. Edwards, Bob, and Jermy Lake. 2010. *West Midlands Farmsteads and Landscapes Project*. In Summary Report, Advantage Westmidlands and English Heritage.
12. Edward Pollock, Jacob. 1982. *Pollock Itinerary, Iran and Iranians*. Translated by Keykâ'us Jahandari. Tehran: Khawrazmi.



13. English Heritage. 2012. *The Conservation of Traditional Farm buildings: A guide to Good Practice*.
14. English Heritage. 2012. *Living Building in a Living Landscape: Finding a Future for Traditional Farm Building*.
15. English Heritage. 2012. *Conservation Guidance Note The Conservation of Historic Farm Building*.
16. Etemad al-Saltaneh, Mohammadhasan Khan. 1989. *Mar'at al-Boldan, Vol. 1 and 4*. By efforts of Abdolhosein Navayee and Mir Hashem Mohaddes. Tehran: Tehran University.
17. Eva Subtelny, Maria. 2008. Persian Garden: Reality and Illusion. Translated by Davood Tabae. *Golestan-e Honar* (12): 16-29.
18. Falahat, Mohammad Sadegh, and Muhammad Hassan Talebian. 2006. *Cultural Landscapes*. Persepolis World Heritage Center.
19. Farmanfarma, Abdolhosein Mirza. 2004. *Itinerary of Kerman and Baluchestan*. Tehran: Asatir.
20. Freeman, Chantal. 2010. *West Midlands Farmsteads and Landscapes Project*. In: Summary Report, English Heritage.
21. Gaskell, Peter, and Stephen Owen. 2006. *Historic Farm Buildings: Constructing the Evidence Base*.
22. Gerut, Linda, and David Wang. 2013. *Research Methods in Architecture*. Translated by Alireza Einifar. Tehran: Tehran University.
23. Hekmat Yaghmaei, Abdolkarim. 1990. *On the Shores of Salt Desert*. Tehran: Toos.
24. Hasan Abadi, Abolfazl. 2007. *An Overview on Siverghal Documents in Safavid era*. Quarterly Magazine of Ganjine Asnad (67).
25. Hosseini Yazdi, Seyed Rukn al-Din. 1962. *Jame al-Kheyrat*. By Efforts of Iraj Afshar and Muhammad Taghi DaneshPazhuh. Tehran: Farhang-e Iran Zamin.
26. Kateb, Ahmad ibn-e Hossein ibn-e Ali. 1966. *Modern History of Yazd*. Tehran: Amir Kabir.
27. Kalantar Zarabi, Abd al-Rahim (Soheil Kashani). 1956. *History of Kashan*. Tehran: Amir Kabir.
28. Khansari, Zeinolabedin. 1999. *Abyane and the Culture of its folks*. Tehran: Ganjine-ye Honar.
29. Koepfel, Christopher. 2006. *The Archeology of Agriculture, Culture, and Economy in Indiana 'History*. In Farmstead Archeology.
30. Lambton, A.K.S. 1966. *Landowner and Sharecropper in Iran*. Translated by Manoochehr Amiri. Tehran: Translating and Publishing Books Agency.
31. Lake, Jermy, and Bob Edvards. 2006. *Historic Farmsteads*. Preliminary Character Statement East Midlands/ West Midlands/ North East/ North West/Soth East/ South West/ Yorkshire and the Humber Regions, the Countryside Agency Landscape Access Recreation and English Heritage.
32. Library and the Research Center of Meibod Historic City. 2015.
33. Library and the Research Center of Yazd Province Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization. 2015.
34. Mokaramifar, Abolfazl, Zahra Alizadeh Birjandi, Kolsom Kazemi, and mohammadReza Soroush. 2006. *An Overview on the Dowries in Qajar Era in Birjand*. Tehran: Iran Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization.
35. Najm al-Molk, Mirza Abd al-Ghaffar. 1989. *Journal of Khuzestan*. Tehran: Society of Cultural Works and Elites.
36. Narshakhi, Abobakr Muhammad Ibn-e Jafar. 1984. *History of Bokhara*. Translated by Abu nasr Ahmad ibn-e Mohammad ibn-e Nasr Ghobadi. Tehran: Toos.
37. Partovi, Parvin. 2013. *Phenomenology of Space*. Tehran: Farhangestan-e Honar.
38. Pigolevskaia, Nina. 1988. *Iranian Cities in Parthian and Sassanid Era*. Translated by Reza Enayatollah. Tehran: Elmi va Farhangi.
39. Qomi, Hasan Ibn-e Abdolmolk Qomi. 2006. *History of Qom*. Qom: Zaer, Holy Shrine.
40. Rene Dalmay, Henry. 1956. *The Itinerary of Khorasan to Bakhtiyari*. Translated by Mohammad Ali Farehvashi. Tehran: Amir Kabir.
41. Safinezhad, Javad. 1989. *Boneh (Traditional Agriculture Systems in Iran)*. Tehran: Amir Kabir.
42. Sharif, Aliasghar. No Date. Abolition of Feodalism. *Historical Studies* 8 (1): 79-85.
43. Shafee, Mohammadreza. 2001. Nahchir Castle, A Monument from Early Ghajar. *Farhang-e Isfahan* (20): 53-59.
44. Sheikh al-Hokamaei, Emad al-Din. 2009. *Documents of Iranian Architecture, Vol.1*. Tehran: Tali Institute, Translating and Editing Artistic Works Institute.
45. Swaffield, Simon. 1911. *Theory in Landscape Architecture*. Translated by Mohsen Feyzi et al. Tehran: Farhang-e Matin.
46. Taleb, Mahdi. 1997. *Rural Management in Iran*. Tehran: Tehran University.
47. Taleb, Mahdi., and Musa Anbari. 2008. *Rural Sociology*. Tehran: Tehran University.
48. UNESCO Tehran Cluster Office. 2008. *Operational Guideline of Universal Heritage Convention*. Translated by Farzin Fardanesh. Tehran.
49. University of Sheffield. 2010. *Current Use of Historic Farm Property in the West Midlands: Introduction and Overview*.





An Inception on the Perception of the Inhabiting Farmsteads in Yazd

Asghar MohammadMoradi *

Professor of Architecture, School University of Science and Industry

Ahmad Salehi Kakhki **

Associate Professor, Conservation and Restoration School, Art University of Isfahan

Hosein Raie ***

Ph.D Candidate of Conservation and Revitalization of Historic Buildings, Art University of Isfahan (Corresponding Author).

Received: 2016/5/1

Accepted: 2016/8/28

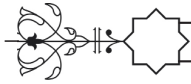
Abstract

Yazd has an outstanding history of principle and science of agriculture and farming. Water and safety along the ground as the mother of agriculture can be setting up the farmstead on the land. The farmsteads are subordinate or independent inhabitant complex, and they are part of a village or a borough. Inhabited farm as a section that has affected and influenced by social, political and cultural factors in different periods of time, is a living collection with different size and population. Information in multiple sources indicates that the inhabited farms existed in the borough and rural districts since pre-Islamic era to early Islamic period and to the Pahlavi's dynasty, the farms are identified with titles such as Dastkart, Keshtkhāni castles and complex, farmstead. The government assigned the farms as gifts, fief, Iqta' (tax farming) and Sivergual (tax farming)

During the research process, many farms in Yazd, Maybod, Mehriz, Taft, Dehshir, Abarqo, Dehnow, Deh Sheikh, Shams Abad, Taraz Abad, Shah Abad, Deh Youk, Khoshk Abad, Khormiz, Ezzat Abad, and Mazraeh Kalantar...were chosen for field studies. Many of these farms are unknown to the public and academic communities, and there are no resources and independent research which include historical backgrounds of inhabited farms. Written and verbal documents show that inhabited independent and subsidiary (minor and major) farms were in the villages of Yazd. The majority of the formation of the administration, economic and political of Yazd until the Pahlavi era with widespread of Waqf (devotion) system, depended on farms and their products to stabilize things and make the interests. And sometimes provided to farm and develop a set of endowments in a region.

Some of these farms have none construction and only used for producing agricultural products, therefore these farmsteads are uninhabited farms or agricultural farms. No settlement and permanent residence are in these sorts of farms. Yazd's "Qalé Bāq (garden castle) and Keshtkhān (tillage)" are in "agricultural farm" category. Besides the farming, the farm has settlement and residence. These farms are "inhabitant" and contain facilities and places such as a summerhouse, manor, hovel, major and minor residential castles, battlement, water-mill and reservoir, the main avenue. "Yazd's hardship and rural Keshtkhāni (tillage) and castles" are in this category and are remembered as "instance/example of farm" in verbal and written kinds of literature. There are mentions in books such as "Jamé Mofidi, 1363", "Jamé al-Kheirat 1962", "Yadegar Haye Yazd (Yazd's memories) vol. 1-2, 1995", "Tarikh Jadid Yazd (Yazd's new history) 1966" ... that refer to these fields and discuss them as "farm".





With the revocation of manorial in the Qajar era, land reform and owners departure to the other countries and major cities, many of these farms losing their nature and forms and will be destroyed.

Nowadays, there are no understanding and conservation of the historic farms; the international community is paying attention to these farms, conventions, recommendations and international charters (Convention for the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, 1972 and the Charter of Florence, 1981) emphasized the important of knowledge, understanding, introduction, registration and protection of the properties that based on the definitions are in the category of the cultural landscape. In addition, there are models of historical farms in other countries. These models can be helpful in understanding the inhabited farms.

The research is trying to examine the subject with the help of the history and historical geography in the artificial and architecture as a tangible heritage which should be protected. And to survey the affected and influenced fields in terms of subject, time and place of the study. So apart from the written documents mentioned in this article that is addressed the inhabited farms in Yazd from authors' perspective, only oral and palpable documents in the farms can ease the research process. Understanding the historical farms are recognising a large part of the folk culture of ethnic groups. It has the trade systems, tribute and ransom, ownerships, leases and legal, judiciary and administrative system. In 2015 these farms being recognised and has been studying. Yazd, Maybod, Mehriz, Taft, Dehshir, Abarqo, Dehnow, Deh Sheikh, Shams Abad, Taraz Abad, Shah Abad, Deh Youk, Khoshk Abad, Khormiz, Ezzat Abad, Mazraeh Kalantar.... Many of these farms are vulnerable due to various causes.

Particular studies on written and verbal documents, evaluation, measuring, interpretation and explanation can lead us to the perception and explanation of the subject, and so to the approach of the conservation. This leading should be discussed and showed in universities and research institutions.

Keywords: Perception, Historic Inhabited Farnsteads, Agronomic Field Castles and Complexes, Yazd.



Managing Director: vice chancellor for
research-Iran University of Science and Technology

Editor-in-chief: Abdol Hamid Noghreh Kar

Administrative Director:

Mohammad Mannan Raeesi

Administrative assistant:

Zahra Kashanidoust

Persian literary Editor: Sara Motevalli

English literary Editor: MohamadReza Ataee Hamedani

Editorial Board Members:

Seyyed Gholam Reza Eslami: Associate Professor,
Tehran University

Hasan Bolkhari: Associate Professor, Tehran University

Mostafa Behzadfar: Professor,
Iran University of Science and Technology

Mohammad Reza Pourjafar: Professor,
Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor,
Iran University of Science and Technology

Esmail Shieh: Professor, Iran University
of Science and Technology

Manoochehr Tabibian: Professor, Tehran University

Mohsen Faizi: Professor, Iran University
of Science and Technology

Hamid Majedi: Associate Professor, Science and
Research Branch, Islamic Azad University

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University
of Science and Technology

Gholam Hossein Memariyan: Professor, Iran University
of Science and Technology

Fatemeh Mehdizadeh: Associate Professor, Iran University
of Science and Technology

Mohammad Naghizade: Assistant Professor, Science and
Research Branch, Islamic Azad University

Ali Yaran: Associate Professor, Iran Ministry of Science,
Research and Technology

Design assistant: AmirHosein Yousefi

Reviewers for Volume4, Number13:

Ali Asadpour: Assistant Professor, Shiraz Art University
Azita Balali Oskuie: Assistant Professor, Tabriz Islamic
Art University

Ahad Ebrahimi Nezhad: Assistant Professor, Tabriz
Islamic Art University

Minoo Gharabeiglu: Assistant Professor, Tabriz Islamic
Art University

Ali Akbar Heydari: Assistant Professor, Shiraz Art

Majid Hashemi: Assistant Professor, Yasuj University

Mohamad Bagher Kabirsaber: Assistant Professor, University
of Tehran

Razieh Labibzadeh: Teacher, Iran University of Science and
Technology

Mohammad Manan Raeesi: Assistant Professor, University of
Qom

Shariar Nasekhian: Assistant Professor, Isfahan Art University

Masood Nari Qomi: Assistant Professor, University of Kashan

Ali Nemati Babaiu: Assistant Professor, Tabriz Islamic
Art University

Saeed Norozian: Assistant Professor, Shahid Beheshti
University

Ali Omranipur: Assistant Professor, kashan University

Mohamad Ranjbar Kermani: Assistant Professor, University
of Qom

Zahra Rahbarnia: Associate professor, Alzahra University

Hasan Sajadzadeh: Assistant Professor, Buali University

Hanieh Sanayeayan: Assistant Professor, Iran University
of Science and Technology

Mansureh Tahbaz: Associate Professor, Sahid Beheshti
University

Seid Mohammad Hosein Zakeri: Assistant Professor,
Shiraz University

Hasan Zolfagharzadeh: Associate Professor, Imam Khomeni
International University





- ▣ **An Inception on the Perception of the Inhabiting Farmsteads in Yazd**
Asghar MohammadMoradi / Ahmad Salehi Kakhki / Hosein Raie
- ▣ **Balancing between property right and public interests in urban regeneration measures (from interests conflict to legal balance)**
Reza kheyroddin / Gholamreza kamyar / Ebrahim Dalaei Milan
- ▣ **Typology of the Form and Placement of Shanashir in Vernacular Architecture of Bushehr Port, Iran**
Azam Hedayat / Parastoo Eshrati
- ▣ **Climatic Function of Girih Art in Islamic Architecture
Case study: Residential building at Qajar era in Shiraz**
Hamid Reza Sharif / Amin Habibi / Abdolah Jamalabadi
- ▣ **Recognition of Typology and Effective Physical Factors in Traditional Residential Tissue of Neyshabur**
Seyed amir mirsajadi / Hero Farkisch
- ▣ **The Explanation of Cultur Engineering and Connection in Modeling Iranian-Islamic City
(Modeling the Technique of Designing Cultural-Residential City)**
Heydar Jahanbakhsh / Ali delzende
- ▣ **Appearance of architectural inscriptions in Persian Painting
Analysis of the samples of Harat School and works of Behzad**
Robab Faghfoori / Hasan Bolkhari Ghehi
- ▣ **An Investigation and Identify of Essence of Marouflaged canvasmural as a specific style of Islamic architectural decoration in Iran**
Yaser Hamzavi / Rasoul Vatandoust / Hosayn Ahmadi